

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مانلیو دینوچی - Manlio Dinucci

برگردان از: حمید محوی

۲۵ نومبر ۲۰۲۰

هنر جنگ

رأی ممتنع ایتالیا و ۲۹ عضو ناتو و ۲۷ عضو اتحادیه اروپا علیه نازیسم در ملل متحد



سومین هیأت ملل متحد با مأموریت رسیدگی به مسائل اجتماعی، بشر دوستانه و فرهنگی روز ۱۸ نومبر قطعنامه "مبارزه علیه بزرگداشت نازیسم، نئونازیسم و دیگر جریانهای که تأکید کرد در تغذیه اشکال معاصر نژاد پرستی، تبعیض نژادی، خارجی ستیزی و نفرت ورزی شرکت دارند".

قطعنامه یادآوری می کند که "به ویژه پیروزی به دست آمده

علیه نازیسم بود که به ایجاد ملل متحد انجامید. ملل متحد فراخوانده شده بود که از جنگ های جدید جلوگیری کند و نسل های آینده را از چنین مصیبتی بر حذر دارد"، بر این اساس درباره گسترش جنبش نئو نازی، نژاد پرستی و خارجی ستیزی در چندین منطقه از جهان اخطار می دهد. ملل متحد عمیقاً درباره بزرگداشت جریان نازی، نئو نازیسم و اعضای قدیمی سازمان وافن اس اس (Waffen-SS گردان حفاظتی مسلح حزب نازی) ابراز نگرانی کرده و سپس یادآور می شود که "نئونازیسم بزرگداشت یا تجلیل به عمل آوردن از یک جریان تاریخی نیست بلکه پدیده ای است که به دوران معاصر تعلق دارد".

جریان نئونازی و جریان های مشابه دیگر "اشکال معاصر نژادپرستی، تبعیض نژادی، یهود ستیزی، اسلام هراسی، مسیحی هراسی، خارجی ستیزی و نفرت پراکنی را در بر می گیرد که در پیوند با آن است".

در نتیجه، قطعنامه دولتهای عضو ملل متحد را به اقدام برای جلوگیری از این پدیده فرامی خواند. قطعنامه ای که هیأت عمومی ملل متحد در ۱۸ دسمبر ۲۰۱۹ پیشنهاد کرد از سوی سومین هیأت با ۱۲۲ رأی موافق از جمله دو عضو دائمی شورای امنیت، روسیه و چین به تصویب رسید. فقط دو عضو ملل متحد رأی مخالف دادند: ایالات متحده آمریکا (عضو دائمی شورای امنیت) و اوکراین.

مطمئنأ بر اساس رهنمود داخلی، ۲۹ عضو ناتو از جمله ایتالیا رأی ممتنع دادند. همین نتیجه برای ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا به وقوع پیوست که ۲۱ کشور از آنها عضو ناتو هستند. بین ۵۳ رأی ممتنع استرالیا، جاپان و همکاران ناتو نیز دیده می شوند.

معنای سیاسی این رأی روشن است: اعضا و همکاران ناتو این قطعنامه را بایکوت کرده اند، یعنی قطعنامه ای که نامش را نمی برند و مستقیماً و مقدم بر همه اوکراین را زیر سؤال می برد، زیرا جریان های نازی در آنجا از سوی ناتو برای اهداف ستراتیژیک مورد استفاده قرار می گیرد. ما مدارک کافی در اختیار داریم که بریگادهای نئونازی به مدیریت ایالات متحده آمریکا و ناتو آموزش دیده و سال ۲۰۱۴ در کودتای میدان "میدان" در حمله به روسی های اوکراین به کار برده شدند، که متعاقباً به تحریک جداسازی کریمه و بازگرداندن آن به روسیه و در عین حال رویارویی مجدد با اروپا انجامید و جنگ سرد را مجدداً به روز رسانی کرد. گردان آزوف [1] نقش نمادینه ای بازی می کند که در سال ۲۰۱۴ توسط آندره بیلنسکی [2] مشهور به "رهبر سفید" طرفدار "نژاد ناب ملت اوکراین که نباید با نژادهای پست مخلوط شود". گردان آزوف پس از اثبات توحش خود به هنگ گارد ملی اوکراین تبدیل شد و به زره پوش و توپخانه مجهز گردید. ولی نشان نمادین خود را که از روی نشان اس اس در دوران نازی ها کپی کرده بودند و آموزش ایدئولوژیک سربازان به خدمت گرفته شده را نیز حفظ کردند که با الگوی نازی تطبیق می کرد.



لوگوی لشکر دوم زرهی اس اس داس رایش



لوگوی رژیمان آزوف

هنگ آزوف به مدد مربیان امریکائی و ناتوئی های دیگر آموزش دیدند و از ویچنز به اوکراین منتقل شدند. آزوف تنها یک قطعه نظامی نیست بلکه یک جریان ایدئولوژیک و سیاسی است. آندره بیلنسکی به ویژه رئیس کاریزماتیک سازمان جوانان است که برای نفرت ورزی علیه روس ها و تمرین نظامی تربیت می شوند. در عین حال نئونازی های کل اروپا به علاوه ایتالیا در کی یف به استخدام درمی آیند.

بر این اساس اوکراین به زیستگاه نئونازیها و باززائی آن در قلب اروپا تبدیل شده است. در این چارچوب رأی ممتنع ایتالیا گنجانده شده به علاوه در رأی گیری قطعنامه هیأت عمومی. پارلمان پذیرفته ست به همان گونه که در سال ۲۰۱۷ پرونده توافق با رئیس پارلمان اوکراین آندره پاروبی [3] را امضا کرد. پاروبی بنیانگذار حزب ناسیونال سوسیالیست اوکراین است که از الگوی ناسیونال سوسیالیست هیتلری الهام می گیرد، او رئیس بریگاد نئونازیهای ست که مسؤل قتل و ضرب و جرح مخالفان سیاسی می باشد. هم او بود که در بیانیه تلویزیونی به دولت ایتالیا برای امتناع از رأی به قطعنامه ملل متحد علیه نازیسم تبریک گفت و اضافه کرد: "بزرگترین مردی که دموکراسی مستقیم را به اجرا گذاشت آدولف هیتلر بود".

Édition de mardi 24 novembre 2020 d'il manifesto

<https://ilmanifesto.it/allonu-litalia-si-astiene-sul-nazismo/>

یادداشت مترجم: روشن است، و شاید که نه، ولی از دیدگاه افرادی مانند برتولت برشت اصل ماجرا و حرف آخر چنین است: "بسیاری از نویسندگانی که از جنایات فاشیسم بیزارند، هنوز از این اندیشه بزرگ شناختی نداشته و هنوز ریشه بربریت را بازشناسی نکرده اند. این نویسندگان مانند گذشته هم چنان ممکن است به خطا روند و خشونت فاشیسم را به مثابه خشونتی رایگان ارزیابی کنند و در نتیجه رابطه ای بین خشونت فاشیسم و مناسبات تولیدی نمی بینند. در حالی که چنین خشونتی برای حفظ مناسبات تولیدی موجود ضروری می باشد. فاشیست ها در این مورد حقیقت را می گویند. بین دوستانی که مانند ما از خشونت فاشیست ها بیزارند ولی مناسبات تولیدی را مسؤول نمی دانند و در رابطه با سرنوشت چنین موضوعی و ضرورت دگرگون کردن چنین مناسباتی بی اعتناء باقی می مانند مطمئناً نمی توانند در مبارزه ای که باید فاشیسم و خشونت و بربریت را از بین ببرد شرکت داشته باشند. به عکس، کسانی که در جست و جوی ریشه های ملالت هایمان به مناسبات تولیدی و مالکیت خصوصی بر وسایل تولیدی برخورد کرده و آن را عمیقاً مورد بررسی قرار داده اند به نقطه حساسی نزدیک شده و اقلیتی را کشف کرده اند که بی رحمانه قدرت را در چنگشان گرفته اند. این نقطه حساس، مالکیت فردی است که در خدمت استثمار انسان از انسان بوده و از آن با چنگ و دندان دفاع می کنند، و فرهنگی را که دفاع از چنین قانونی را ترویج نمی کند از بین می برند، یعنی قانونی که بشریت مدت های مدید با شور و حرارت و با تمام امیدها و ناامیدی ها برای آن مبارزه کرده است." (برتولت برشت: سخنرانی در نخستین کنگره بین المللی نویسندگان برای دفاع از فرهنگ، نکات مهم و دقیق درباره مبارزه علیه بربریت، جون ۱۹۳۵. ترجمه حمید محوی)

نازیسم یکی از اسامی نظام سرمایه داری و جامعه طبقاتی است. چه کسی از جامعه طبقاتی حرف می زند از خشونت طبقاتی و بربریت نظام سرمایه داری حرف می زند. مبارزه علیه نازیسم خارج از مبارزه طبقاتی [به هدف سرنگونی نظام بهیمی سرمایه داری به هدف برپائی نظم نوین عادلانه و جامعه گرا برای رهایی انسانها از خشونت طبقاتی] نیست. آنچه در متن مانلیو دینوچی می خوانیم خارج از این تعریف کلی نیز نمی باشد و همین تعریف را بروشنی هزار و یک بار دیگر به اثبات می رساند، زیرا می بینیم که با کدام بی شرمی ناب رهبران سرمایه داری جهانی از ایالات متحده آمریکا تا اتحادیه اروپا، کشورهای آنگلساکسون و جاپان جملگی مبارزه از علیه نازیسم را با پشت دست کنار زده اند. زندگی روزمره در لحظه و در هر میلیمتر آن در جهان سرمایه داری و جامعه طبقاتی، جامعه حاکم و محکوم، بخش خصوصی و بخش دولتی، محله های شیک و محله های فقیر نشین، انباشته از نشانه های بربریت و خشونت طبقاتی است. حال اگر تصور کنیم که نازیسم چیزی ست فراتر از این واقعیت روزمره، به بی راهه رفته ایم. در هر صورت با وجود این همه رأی مخالف و ممتنع برای مبارزه علیه نازیسم و نژادپرستی و... نه می توانیم به بی راهه برویم و نه می توانیم آن را واپس بزنیم.

حمید محوی

Azov[1]

Andriy Biletsky[2]

Andriy Parubiy[3]